



تقریر درس خارج فقه فرهنگ آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجة الإسلام قادر بریسم	جلسه	۹	تاریخ	۱۴۰۱/۰۹/۱۰
عنوان ۱	فقه فرهنگ کلان				
عنوان ۲	فصل دوم: فقه فرهنگ کلان گفتارها				
عنوان ۳	نهادهای اجتماعی گفتمان ساز				
عنوان ۴	نهاد اول: رسانه				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

درآمد بحث

گفتیم در مبحث فقه فرهنگ کلان سه فصل داریم. فصل اول فقه فرهنگ باورها در عرصه فرهنگ کلان. فصل دوم فقه فرهنگ گفتارها و فصل سوم فقه فرهنگ رفتارها باز هم در عرصه فرهنگ کلان. در مباحث پیشین به فصل اول پرداختیم که فقه فرهنگ کلان باورها بود که در سه بخش بحث کردیم:

۱. فقه فرهنگ باورها در دستگاه حکومتی؛
۲. فقه فرهنگ باورهای حاکم بر روابط حاکمیت با مردم؛
۳. فقه فرهنگ باورهای حاکم بر روابط مردم با یکدیگر (نهادهای مردم).

این سه بخش به پایان رسید.

فصل دوم: فقه فرهنگ کلان گفتارها

بحث ما امروز در فصل دوم از فقه فرهنگ باورهاست. فقه فرهنگ کلان باورها. این فصل، درباره فقه کلان گفتارهاست که در حیطه فقه کلان بحث می‌کنیم. قبلاً هم گفته‌ایم که مقصود ما از فقه فرهنگ کلان چیست؟! گفتیم ما یک فرهنگ خُرد داریم که همان رفتارهای فرد در جامعه را تعیین تکلیف می‌کند؛ یعنی فرهنگ رفتارهای خُرد فرد را تبیین می‌کند؛ این همان چیزی که در بحث‌های فرهنگی خُرد ما بحث کردیم که البته بخشی از فرهنگ خُرد را به فضایی جلسه بحثمان واگذار کردیم که فقه فرهنگ رفتارها باشد و یک مقدار از فقه فرهنگ گفتارها را هم در فقه خُرد به بعضی از فضلاء واگذار کردیم؛ حالا هم اگر دوستانی حاضر باشند در این عرصه کار کنند می‌شود بعضی از این مباحث را به آن‌ها واگذار کرد و بعضی از این مباحث را مثل فقه غنا یا فقه گفتارهای غنائی، فقه گفتارهای هجایی و بخشی از این بخش‌های فقه فرهنگ خُرد را خود فضایی درس و بحث ما به عهده گرفته‌اند و نوشته‌اند و بعضی‌شان را دیده‌ایم و

بعضی از آن‌ها در دست تکمیل است. منتها فقه فرهنگ رفتارها خیلی فقه گسترده‌ای است که اگر دوستان تمایل داشتند ما فهرستش را تهیه کرده‌ایم. می‌شود در اختیار دوستان گذاشت که باید این مباحث از فقه خُرد را تکمیل کرد. بعد رسیدیم به فقه کلان فرهنگ، گفتیم فقه کلان فرهنگ وقتی می‌گوییم منظور فقه رفتار اجتماعی است. یعنی فقه جامعه‌ای است که حکومتی این جامعه را به نظم درمی‌آورد این را می‌گوییم رفتارهای اجتماعی. رفتارهای حاکمیت و مردمی که به نظم اجتماعی حاکمیت عمل می‌کنند، ما این را رفتارهای کلان می‌نامیم. فقه رفتارهای جامعه است به عنوان این‌که یک جامعه دارد به این ضوابط عمل می‌کند. رفتارها، رفتارهای اجتماعی است. رفتارهای خُرد فردی نیست و لو فردی درون اجتماعی باشد. نه، این رفتار، رفتار اجتماعی است که فصل اول از این فقه کلان بحث شد. بحث ما در فقه کلان گفتارها است. فصل اول فقه کلان باورها بود.

برای بررسی اصول حاکم بر گفتمان یا گفتارهای اجتماعی یا اصول حاکم بر روابط گفتاری جامعه که ما از آن به «فقه کلان گفتارها» تعبیر می‌کنیم. یعنی فقه حاکم یا فقهی که نظم‌دهنده رفتارهای گفتاری جامعه بما هی جامعه است. معنی اش این است که روابط گفتاری بین افراد جامعه‌ای که تحت یک حاکمیتی مدیریت می‌شوند این رفتارهای گفتاری چه ضوابطی از نظر فقهی دارند. چون بحث ما بحث درباره فقه اجتماعی است یعنی فقه رفتارهای کلان جامعه است لازم است ما ابتدا به نهادهای اجتماعی گفتمان سازپردازیم. چون این فقهی که ما بحث می‌کنیم فقه کلان گفتاری یا فقه کلان گفتارها یعنی فقهی که رابطه گفتاری جامعه را جهت می‌دهد؛ این روابط گفتاری اجتماعی به وسیله نهادهای اجتماعی شکل داده می‌شود. یعنی وقتی ما می‌خواهیم یک رفتار اجتماعی را جهت بدهیم شکل بدهیم، این رفتارهای اجتماعی و لو در سطح گفتار این طور نیست که این گفتارها خود به خود شکل پیدا کنند، خود به خود به وجود بیایند. این روابط گفتاری به وسیله نهادهای اجتماعی به وجود می‌آیند. نهادهای اجتماعی که گفتمان سازند. خوب دقت کنید که چه عرض می‌کنیم «نهادهای اجتماعی گفتمان ساز».

نهادهای اجتماعی گفتمان ساز

نهاد اول: رسانه

یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی گفتمان ساز، رسانه است. رسانه یک نهاد اجتماعی گفتمان ساز است. یعنی گفتمانی را در بین مردم ترویج می‌کند و مردم بر اساس این گفتمان روابط گفتاری خودشان را تنظیم می‌کنند. این می‌شود یک گفتمان حاکم بر روابط اجتماعی.

رسانه چیست؟ ممکن است شما بعدها وقتی در بعضی از جمع‌های فرهنگی، علمی، دانشجویی حضور پیدا می‌کنید و بخواهید درباره رسانه بحث کنید. اولین پرسشی که ممکن است از شما بشود این است که تعریف شما از رسانه چیست؟ ما تعریفی که از رسانه ارائه می‌کنیم این است: «هر ابزاری که وسیله ارتباط گفتاری اجتماعی باشد» این را ما رسانه به شمار می‌آوریم. ابزاری که وسیله ارتباط گفتاری جامعه باشد حالا چه وسیله ارتباط گفتاری افراد یک جامعه با یکدیگر یا افراد یک جامعه با جامعه دیگر باشد.

رسانه، ابزار یا وسیله ارتباط گفتاری افراد جامعه با یکدیگر است. یعنی عامه مردم از چه وسیله‌ای برای تبادل گفتاری استفاده می‌کنند این را ما می‌گوییم رسانه. از آن وسیله‌ای که برای رساندن گفتار خود به دیگری استفاده می‌شود. حالا این رساندن در زبان عرب در لسان قرآن و روایات به «ابلاغ یا بلاغ» تعبیر شده و در زبان عربی رایج از آن به «اعلام» تعبیر می‌شود. البته «ابلاغ» که در کتاب و سنت ما تعبیر شده است أدق از واژه «اعلام» است. به وسیله رسانه‌ای یا به وسایل و ابزارهای رسانه‌ای می‌گویند «وسیله اعلامیه». این به آن دقت واژه ابلاغی که در کتاب و سنت از آن استفاده شده نمی‌رسد و ابلاغ دقیق‌تر است از اعلام. چون مهم‌ترین کاری که وسیله رسانه‌ای انجام می‌دهد ابلاغ است نه صرف الإعلام. لذا در زبان فارسی واژه «رسانه» باز هم دقیق‌تر از واژه «اعلامی» است که در زبان عربی مرسوم و رایج شده است. رسانه، رسانندگی یک پیام به طرف را به عهده می‌گیرد که همان چیزی است که از آن به ابلاغ تعبیر می‌شود. البته «ابلاغ» باز هم أدق از «رسانه» است، چون در ابلاغ هر رسانندگی را ابلاغ نمی‌گویند. رساندن کافی و رساندن مؤثر را ابلاغ می‌گویند. یعنی ابلاغ آن نوع رساندن کامل و کافی است که برای دریافت طرف کفایت می‌کند به این «ابلاغ» می‌گویند. لذا رسل علیهم السلام در زبان قرآن به عنوان کسانی معرفی شده‌اند که مسئولیت ابلاغ پیام الهی را بر عهده دارند: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ»^۱ یا «فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»^۲ بر تو وظیفه و تکلیفی جز رسانندگی نیست.

به هر حال پس ما تعریفی که از رسانه ارائه می‌دهیم این است که «ابزاری است که وسیله ارتباط گفتاری اجتماعی است». حالا چه افراد جامعه با یکدیگر یا افراد جامعه‌ای با جامعه دیگر یا جامعه‌ای با جامعه دیگر. یعنی رسانه باید طوری باشد که پیام را بتواند به نحوی برساند که دریافت‌کننده، دریافت کند و صرف این که پیام را در هوا رها کند این را نمی‌گویند «ابلاغ». باید پیام را طوری بیان کند طوری این پیام را بگوید و طوری این پیام را منتقل کند که این پیام را شنونده دریافت کند. البته شنونده معمولی و متعارف، چون ممکن است شنونده‌ای باشد که خودش نمی‌خواهد بشنود کما اینکه قرآن می‌فرماید: «كَانَ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا»^۳؛ یک ضرب مثلی هست که می‌گوید: «کسی که خوابیده را می‌شود بیدار کرد اما کسی که خودش را به خواب زده را نمی‌شود بیدار کرد»؛ پیام را می‌توان به کسی که می‌خواهد بشنود رسانید؛ اما کسی که نمی‌خواهد بشنود شما بهترین پیام‌رسان هم باشید نمی‌توانید؛ چون او نمی‌خواهد دریافت کند. «و لکن لا حیاة لمن تنادی» در زبان عرب که گفته می‌شود همین است. یعنی طرف خودش را به مردگی می‌زند و نمی‌خواهد بشنود. ولی منظور ما از رسانندگی آن است که آن کس که بنای شنیدن دارد بتواند آن پیام و وسیله گفتاری را دریافت کند. حالا ما تعبیر کردیم در این تعریف به «وسیله ارتباط گفتاری» که ما می‌توانیم تعریف را اعم کنیم به این نحو که نگوییم وسیله ارتباط گفتاری، بلکه بگوییم «وسیله انتقال پیام» به نحوی که برای دریافت‌کننده قابل دریافت باشد این را می‌گوییم رسانه. اگر این‌گونه تعریف کنیم أدق از تعریف قبلی است. پس رسانه را چنین تعریف می‌کنیم که «وسیله‌ای است که می‌تواند پیام را بین افراد جامعه منتقل کند به نحوی که برای گیرنده قابل دریافت باشد». یعنی هر نوع نقل پیام

۱. سوره احزاب: ۳۹.

۲. سوره نحل: ۸۲.

۳. سوره لقمان: ۷.

و هر طوری نقل پیام کند این کار رسانه نیست؛ بلکه باید طوری نقل پیام کند که قابل دریافت باشد. و لذا اگر برای تقریب به ذهن بخواهیم مثالی بزنیم می‌گوییم مثلاً کسی وارد یک جمع می‌شود که همیشه با صدای آرام می‌گوید «سلام علیکم» این را نمی‌گویند «سلام». بلکه باید سلام، طوری گفته شود که طرف بشنود. لذا چنین سلامی واجب الجواب نیست. یعنی سلامی که یبلغ یجب الجواب علیه. «وَإِذَا حُيِّئْتُمْ بِهِ حَيَّوْا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوْهَا» ظهور دارد در اینکه تحیه‌ای باشد که عادتاً و قاعدتاً تحیه بالغه باشد که بتواند به طرف برسد. و لذا در رسانه هم همین طور است. این که یک رسانه بخواهد یک پیامی را مطرح کند ولی این پیام طوری مطرح نشود که قابل دریافت باشد، این را نمی‌گویند کار رسانه‌ای؛ کار رسانه‌ای این است که طوری بتواند پیام را منتقل کند که این پیام برای انسان‌های معمولی که دارای گوش و دارای قدرت دریافت هستند قابلیت دریافت داشته باشد. هر نحو انتقالی کار رسانه نیست؛ انتقال پیام به نحوی که قابل دریافت برای طرف باشد. پیام رسانه باید قابل دریافت باشد؛ فرض کنید کسی در خانه‌اش بنشیند و یک دستگاه رادیویی هم داشته باشد با این دستگاه پیام هم بفرستد اما فقط داخل خانه‌اش قابلیت گیرندگی داشته باشد. این را نمی‌گویند رسانه؛ وقتی رسانه می‌شود که قابل دریافت توسط دیگران باشد. صرف این که پیامی باشد و یک وسیله‌ای هم جهت انتقال باشد اما این وسیله انتقالش به نحوی نباشد که قابل دریافت توسط دیگران باشد این وسیله را نمی‌گویند رسانه. دریافت کنندگان یک پیام رسانه‌ای می‌توانند افراد درون یک جامعه باشند یا این ارتباط رسانه‌ای بین افراد یک جامعه و جامعه دیگر باشد. دریافت‌کننده گرچه جامعه است منتها افراد جامعه دریافت می‌کنند. افرادی که در یک نظم اجتماعی خاصی به هم گره خورده‌اند. وقتی یکی‌شان دریافت کند یعنی عامه آن‌ها هم می‌توانند دریافت کنند. و این یعنی دریافت اجتماعی که معمولشان قابلیت دریافت دارند.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین